

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

﴿﴾

## عربی. زبان قرآن (۱)

رشته ادبیات وعلوم انسانی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

کاری از:

منصوره خوشخو

سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲

کانال اِحِبُّ الْعَرَبِيَّةَ

@OhebboArabic



## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ بَرگرد

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتَنفِثُ سَحَابًا فَيَسْطُرُ فِي السَّمَاءِ...﴾ الروم: ۲۸

خدا همان کسی است که بادها را می فرستد و [بادها] ابری را برمی انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می گستراند.

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ (درس سوم)

مَطَرُ السَّمَكِ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!

آیا باورمی کنی که در روزی از روزها ماهی هایی را ببینی که از آسمان می ریزند (پی در پی می افتند)؟!

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛

مسلماً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.

وَلَكِنْ أَمْكِنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!

ولی آیا ممکن است که باران ماهی ببینیم؟! آیا گمان می کنی که آن باران حقیقت باشد (است) و فیلمی خیالی نیست؟!!

حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. بسیارخوب؛ پس به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی.



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تَشَاهِدُ • سَقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ»

به دقت نگاه کن؛ افتادن تو ماهی ها را از آسمان می بینی؛ گویی از آسمان ماهی هایی می بارند. مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می نامند. • تَنْظُرٌ = تَشَاهِدٌ = تَرَى (می بینی)

حَبَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُوْرَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوَسْطَى.

این پدیده مردم را سال های طولانی حیران کرده است و پاسخی برایش نیافته اند. باران ماهی هر سال در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی رخ می دهد.



تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَانًا. فَيُشَاهِدُ النَّاسُ عَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرْقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطْرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ.

این پدیده احياناً (گاهی) دوبار در سال رخ می‌دهد. و مردم تکه ابر سیاه بزرگ، رعد و برق، بادهایی قوی و بارانی شدید را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می‌کنند.

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُ هَا النَّاسُ لَطَبِخِهَا وَ تَنَاوُلُهَا. • أَخَذَ: برداشت، برد، گرفت  
سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود، و مردم آنها را برای پختن و خوردنش می‌برند. (برمی‌دارند)



حَاوَلِ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛

دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده شگفت تلاش کردند.

فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيُزَيِّرَ الْمَكَانَ وَ التَّعْرِيفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،

و گروهی را فرستادند برای دیدن مکان و شناختن (آگاهی یافتن از) ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند.

فَوَجَدُوا أَنَّ أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ

و دریافتند که بیشتر ماهی‌های پخش شده روی زمین از یک گونه هستند ولی شگفتی کار در این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند.

بَلْ هِيَ مِنَ الْمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتِي كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ.

بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس هستند که به فاصله‌ی دویست کیلومتر از محل افتادن ماهی‌ها دور هستند.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟ دَلِيلُ تَشْكِيلِ این پدیده چیست؟

يَجْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ؛ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.

گردباد شدیدی رخ می‌دهد و ماهی‌ها را با قدرت به آسمان می‌کشد و به جای دوری می‌برد و هنگامی که سرعتش را از دست می‌دهد [ماهی‌ها] بر زمین می‌افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».

مردم در هندوراس هر سال این روز را جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره‌ی باران ماهی» می‌نامند.

### برگرد المَعْجَم

صَدَّقَ: باور کرد «حَتَّى تُصَدَّقَ: تا باور کنی» ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر» فَلِمَ: فیلم «جمع: أفلام» الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيُّ: اقیانوس اطلس مَفْرُوشٌ: پوشیده مَهْرَجَانٌ: جشنواره نَزُولٌ: پایین آمدن، بارش	تَسَاقَطٌ: پی در پی افتاد التَّعَرُّفُ عَلَيَّ: شناختن تَلَّجٌ: برف، یخ «جمع: تُلُوج» حَسَنًا: بسیار خوب حَيْرٌ: حیران کرد سَحَبٌ: کشید سَمِيٌّ: نامید سَوْدَاءٌ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد) سَنَوِيًّا: سالانه	أَثَارٌ: برانگیخت إِحْتِفَالٌ: جشن گرفت أَصْبَحَ: شد إِعْصَارٌ: گردباد «جمع: أعاصير» أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی أَمْطَرَ: باران بارید بَسَطَ: گستراند بَعُدَ: دور شد تَرَى: می بینی، «أَنْ تَرَى: که ببینی»
---	---	---

### برگرد حول النص

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کن.

۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّوهُ «مَهْرَجَانَ الْبَحْرِ». X  
مردم هندوراس این روز را هر ماه جشن می‌گیرند و آن را جشنواره دریا می‌نامند.

۲- عِنْدَمَا يَفْقَدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ. ✓  
وقتی گردباد سرعتش را از دست می‌دهد، ماهی‌ها پی در پی روی زمین می‌افتند.

۳- يَتَّبِعُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. X  
دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب نا امید شدند.

۴- إِنْ نَزَلَ الْمَطَرُ وَ التَّلْجُ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. ✓  
بارش باران و برف از آسمان، یک امر طبیعی است.

۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ. X  
این پدیده ده بار در سال اتفاق می‌افتد.



## اعلموا برگرد

### الفعل الثلاثي المجرد والمزيد (۱)

در زبان فارسی به فعل‌هایی مانند «رفت» و «برگشت»، سوم شخص مفرد می‌گوییم. فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شود.

**گروه اول:** ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل‌هایی که ساخت ماضی «مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطه اول این‌گونه بودند؛ مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

**گروه دوم:** ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که ساخت ماضی «مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اِسْتَخْرَجَ، اِغْتَرَفَ، اِنْقَطَعَ و تَشَكَرَ؛ این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد.

این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود. در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید «اِسْتِفْعَال، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال، تَفَعُّل» آمده است.

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
اِسْتِفْعَال	اِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَال
اِفْتِعَال	اِفْتَعَلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
اِنْفِعَال	اِنْفَعَلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال
تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
۱	اِسْتَرْجَعْ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِسْتِفْعَال	اِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَال
	۲	اِسْتَعَلْ: کار کرد	يَسْتَعِلُ: کار می‌کند	اِسْتَعِلْ: کار کن
اِفْتِعَال	اِفْتَعَلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
	۳	اِنْفَتَحْ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتِحْ: باز شو
اِنْفِعَال	اِنْفَعَلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال
	۴	تَخْرَجْ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می‌شود	تَخْرَجْ: دانش آموخته شو
تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

° دانش آموز باید وزن فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

♦ با حفظ جدول باب‌های مزید می‌توانیم به سوالات به راحتی پاسخ دهیم.

مصدر **اِسْتَخْرَجَ**: اِخْرَاجُ اِسْتِخْرَاجٌ ✓ خروج  
 ماضی **اِنْقَطَعَ**: اِنْقَطَاعٌ ✓ قَطَعَ قَطْعٌ ماضی  
 امر **تَسْمِعْ**: اِسْمَاعٌ اِسْمَعْ اِسْمِعْ ✓  
 وزن اِنْتاج - اِنْفِتاح، اِنْبِساط: اِفْعَال - اِفْتِعَال - اِنْفِعَال

♦ دسته بندی فعل‌های متن درس سوم :

• بیش از سه حرف اصلی (ثلاثی مزید)		• فقط سه حرف اصلی (ثلاثی مجرد)	
تُصَبِّحُ (أَصْبَحَ)	تُصَدِّقُ (صَدَّقَ)	وَجَدُوا (وَجَدَ)	تَرَى (رَأَى)
حَاوَلَ	يُمْكِنُ (أَمْكَنَ)	تَحَدَّثُ (حَدَّثَ)	أَنْظِرُوا (نَظَرَ)
أَرْسَلُوا (أَرْسَلَ)	تَتَسَاقَطُ (تَسَاقَطَ)	يَأْخُذُ (أَخَذَ)	تَنْظُنُّ (ظَنَّ)
يَحْتَفِلُ (اِحْتَفَلَ)	تُشَاهِدُ (شَاهَدَ)	يَبْعُدُ (بَعَدَ)	يَكُونُ (كَانَ)
يُسَمِّنُ (سَمَّى)	حَيَّرَ	يَسْحَبُ (سَحَبَ)	لَيْسَ
		يَفْقِدُ (فَقَدَ)	أَنْظِرْ (نَظَرَ)

**که اختیر نفسک (۱):** تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب	مضارع	ماضی
یَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست
استفعال	مصدر	امر
	اِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن	اِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه

باب	مضارع	ماضی
يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد	اِعْتَذَرَ: پوزش خواست	اِعْتَذَرَ: پوزش خواست
افتعال	مصدر	امر
	اِعْتِذَارُ: پوزش خواستن	اِعْتَذِرْ: پوزش بخواه

باب	مضارع	ماضی
يَنْقَطِعُ: بریده می‌شود	اِنْقَطَعَ: بریده شد	اِنْقَطَعَ: بریده شد
انفعال	مصدر	امر
	اِنْقِطَاعُ: بُریده شدن	اِنْقَطِعْ: بریده شو

باب	مضارع	ماضی
يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید	تَكَلَّمَ: سخن گفت	تَكَلَّمَ: سخن گفت
تفعل	مصدر	امر
	تَكَلُّمٌ: سخن گفتن	تَكَلَّمْ: سخن بگو

### الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل، فاعل و مفعول آشنا شوید.  
**فعل**، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.  
**فاعل**، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.  
**مفعول**، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، **فعل لازم**<sup>۱</sup> نام دارد. مثال:

رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت.

تَجَلَسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، **فعل متعدی**<sup>۲</sup> گفته می‌شود. مثال:

أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد.

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.

### كَمْ إِخْتَبَرَ نَفْسَكَ (۲): تَرْجِمَ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

۱- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾ یوسف: ۴ ← فعل متعدی: رَأَيْتُ  
 ترجمه: من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم [آنها] برای من سجده می‌کنند. (ترجمه فولادوند)

سجده کردن ستارگان بر یوسف (علیه السلام)

اگر کلمه «رایت» را تکرار کرده برای این است که میان «رایت» و «لی ساجدین» فاصله زیاد شده، لذا بار دیگر فرموده: «رایتهم». فایده دیگری که این تکرار دارد افاده این جهت است که: من در خواب دیدم که آنها بطور دسته جمعی برای من سجده کردند، نه تک تک.

موضوع اصلی: داستان حضرت یوسف (علیه السلام) گوینده: علامه طباطبایی، **قالب**: تفسیری، منبع: ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص: ۱۰۴

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمُكَيِّفَاتِ. ← فعل متعدی: ندارد و ذَهَبَتْ: فعل لازم است.  
 ترجمه: دانش‌آموزی برای خاموش کردن کولر رفت.

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ. ← فعل متعدی: زَانَ  
 ترجمه: خداوند آسمان را با ستارگانی همچون مروارید آراست.

۴- تَنَمَّوْا الشَّجَرَةَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. ← فعل متعدی: ندارد و تَنَمَّوْا: فعل لازم است.  
 ترجمه: درخت از دانه‌ای کوچک رشد می‌کند.

۵- إِشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدًا حَاسِبًا لَهُ. ← فعل متعدی: إِشْتَرَى  
 ترجمه: پدر حامد رایانه‌ای برایش خرید.

۱- فعل‌های باب «إنفعال» لازم هستند؛ مثال:

إِنْقَطَعَ: قطع شد / انْفَتَحَ: باز شد / انْهَدَمَ: ویران شد / انْفَجَرَ: منفجر شد / انْبَسَطَ: گسترده شد.

۲- بسیاری از فعل‌های دو باب «إفعال» و «تفعیل» متعدی هستند؛ مثال:

أَخْرَجَ: درآورد / أَنْزَلَ: پایین آورد / أَجْلَسَ: نشانید / عَلَّمَ: یاد داد / صَيَّرَ: گردانید / فَرَّخَ: شاد کرد

### ☀ برای مطالعه در خانه ☀

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است شناسه هایی هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده اید.

یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

تَعَلَّمْتُ	اِنْسَحَبْتُ	اِكْتَسَبْتُ	اِسْتَخْرَجْتُ	«ت» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:
تَعَلَّمْتَ	اِنْسَحَبْتَ	اِكْتَسَبْتَ	اِسْتَخْرَجْتَ	«ت» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی)؛ مانند:
تَعَلَّمْ	اِنْسَحَبْ	اِكْتَسَبْ	اِسْتَخْرَجْ	«ـ» در «فَعَلْ» (انجام داد)؛ مانند:
تَعَلَّمْنَا	اِنْسَحَبْنَا	اِكْتَسَبْنَا	اِسْتَخْرَجْنَا	«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم)؛ مانند:
تَعَلَّمْتُمْ	اِنْسَحَبْتُمْ	اِكْتَسَبْتُمْ	اِسْتَخْرَجْتُمْ	«تُم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید)؛ مانند:
تَعَلَّمُوا	اِنْسَحَبُوا	اِكْتَسَبُوا	اِسْتَخْرَجُوا	«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند)؛ مانند:

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِسْتَعَلَّ: کار کرد	اِسْتَعَلُّوا: ...کار کردند....
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	تَعَلَّمْتُمْ: ...یاد گرفتید....
اِنْقَطَعَ: بریده شد	اِنْقَطَعَتْ: ...بریده شد....
اِسْتَخْفَرَ: آمرزش خواست	اِسْتَخْفَرْنَا: ...آمرزش خواستیم

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

اَسْتَعْلِمُ	اِنْسَحِبُ	اِكْتَسِبُ	اِسْتَخْرِجُ	«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند:
تَتَعَلَّمُ	تَنْسَحِبُ	تَكْتَسِبُ	تَسْتَخْرِجُ	«ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند:
يَتَعَلَّمُ	يَنْسَحِبُ	يَكْتَسِبُ	يَسْتَخْرِجُ	«ي» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند:
نَتَعَلَّمُ	نَنْسَحِبُ	نَكْتَسِبُ	نَسْتَخْرِجُ	«ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند:
تَتَعَلَّمُونَ	تَنْسَحِبُونَ	تَكْتَسِبُونَ	تَسْتَخْرِجُونَ	«ت» + «ریشه» + «ون» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:
يَتَعَلَّمُونَ	يَنْسَحِبُونَ	يَكْتَسِبُونَ	يَسْتَخْرِجُونَ	«ي» + «ریشه» + «ون» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

یَبْتَسِمُونَ: لبخند می‌زنند.....	یَبْتَسِمُ: لبخند می‌زند
تَتَكَلَّمُ: سخن می‌گویند.....	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید
تَنْسَحِبُونَ: عقب نشینی می‌کنید.....	يَنْسَحِبُ: عقب نشینی می‌کند
يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد.....	يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد

### فِعْلُ الْأَمْرِ

در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «افعل»، «افعل» و «افعل» آشنا شدید؛ مثال:

تَنْزِلُ: پایین می‌آید	تَنْزِلُ: پایین می‌آید	تَسْمَعُ: می‌شنود	تَسْمَعُ: می‌شنود
تَعْرِفُ: می‌شناسد	تَعْرِفُ: می‌شناسد	تَلْعَبُ: بازی می‌کند	تَلْعَبُ: بازی می‌کند
تَكْتُبُ: می‌نویسد	تَكْتُبُ: می‌نویسد	تَذْهَبُ: می‌رود	تَذْهَبُ: می‌رود
تَخْرُجُ: خارج می‌شود	تَخْرُجُ: خارج می‌شود	تَعْمَلُ: کار می‌کند	تَعْمَلُ: کار می‌کند
تَنْظُرُ: نگاه می‌کند	تَنْظُرُ: نگاه می‌کند	تَجْلِسُ: می‌نشیند	تَجْلِسُ: می‌نشیند

اکنون با شکل های جدیدی از فعل امر آشنا شوید.

تَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	تَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد
تَبْتَعدُ: دور می‌شود	تَبْتَعدُ: دور می‌شود
تَنْسَحِبُ: عقب نشینی می‌کند	تَنْسَحِبُ: عقب نشینی می‌کند
تَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد	تَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، نشانه هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده اید.

اِبْتَعِدُوا عَنِ الْكَسَلِ؛ اِسْتَخْدِمُوا قُوَّتَكُمْ؛ تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ؛ لَا تَنْسَحِبُوا عَنِ آدَاءِ وَاجِبِكُمْ.

از تنبلی دور شوید؛ نیرویتان را به کار ببرید؛ درسهایتان را یاد بگیرید؛ از انجام تکلیفتان عقب نشینی نکنید.

یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

«اَ» در	اَفْعَلْ	اِسْتَفْعَلْ	اِفْتَعَلْ	اِنْفَعَلْ	تَفَعَّلْ «مانند:
«ی» در	اِذْهَبْ	اِسْتَخْرِجْ	اِکْتَسِبْ	اِنْسَجِبْ	تَعَلَّمْ
«و» در	اِذْهَبِي	اِسْتَخْرِجِي	اِکْتَسِبِي	اِنْسَجِبِي	تَعَلَّمِي
«ن» در	اِذْهَبْنَ	اِسْتَخْرِجْنَ	اِکْتَسِبْنَ	اِنْسَجِبْنَ	تَعَلَّمْنَ «مانند:
«ا» در	اِذْهَبَا	اِسْتَخْرِجَا	اِکْتَسِبَا	اِنْسَجِبَا	تَعَلَّمَا «مانند:

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَنْتَظِرُونَ: منتظر می شوید	اِنْتَظِرُوا: منتظر شوید.....
تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می کنی	تَعَجَّبَ كُن: تعجب کن.....
تَسْتَخْرِجْنَ: خارج می کنید	اِسْتَخْرِجْنَ: خارج کنید.....

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

### جواز برگرد

♣️ **فِي قِسْمِ الْجَوْلَانِ** <sup>۱</sup>

در بخش گذرنامه‌ها

♣️ <b>شُرْطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ</b> (پلیس اداره گذرنامه)	♣️ <b>المُسَافِرُ الإِيرَانِيُّ</b> (مسافر ایرانی)
♣️ <b>أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ . مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟</b> خوش آمدید . شما از کدام کشور هستید؟	♣️ <b>نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابِلِ .</b> ما از ایران و از شهر زابل هستیم.
♣️ <b>مَرْحَبًا بِكُمْ . شَرَفْتُمُو ؟</b> خوش آمدید. مشرف فرمودید (به ما افتخاردادید)	♣️ <b>أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي .</b> متشکرم آقا (سرورم)
♣️ <b>مَا شَاءَ اللَّهُ ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا !</b> ماشالله ! عربی خوب صحبت می‌کنی!	♣️ <b>أُحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ . الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ .</b> این زبان را دوست دارم. عربی زیباست.
♣️ <b>كَمْ عَدَدَ الْمُرَافِقِ ؟</b> تعداد همراهان چندتاست؟	♣️ <b>سِتَّةَ : وَالِدَايَ وَأُخْتَايَ وَ أَحْيَا .</b> شش تا: پدر و مادرم و دوخواهرم و دوبرادرم.
♣️ <b>أَهْلًا بِالضُّيُوفِ . هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَا ؟<sup>۶</sup> الدُّخُولِ؟</b> مهمانان خوش آمدید. آیا بلیت‌های ورود دارید؟	♣️ <b>نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا بِطَاقَتَهُ بِيَدِهِ .</b> بله ؛ هریک از ما بلیتش در دستش است.
♣️ <b>الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِسَارِ لِلتَّفْتِيهِ .<sup>۷</sup></b> مردان در سمت راست و زنان در سمت چپ برای بازرسی [بروید].	♣️ <b>عَلَى عَيْنِي .</b> چشم
♣️ <b>رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ .</b> لطفاً، گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید.	♣️ <b>نَحْنُ جَاهِزُونَ .<sup>۸</sup></b> ما آماده‌ایم .



- ۱- جواز: گذرنامه ۲- مَرْحَبًا بِكُمْ : خوش آمدید ۳- شَرَفْتُمْ: مشرف فرمودید \*شَرَفْتُمُونَا: شَرَفْتُمْ + (واو اشباع)+نا ۴- مُرَافِقِي: همراه  
۵- وَالِدَايَ (والدان+ی): پدر و مادرم، أُخْتَايَ ( أُخْتَانِ+ی): دو خواهرم، أَحْوَايَ (أَخْوَانِ+ی): دو برادرم ۶- بِطَاقَةَ: بلیت  
۷- تَفْتِيْشِي: بازرسی ۸- جاهز: آماده

نکته: «جواز» در نقش خبر برای مبتدای محذوف است پس هنگام ترجمه یای نکره به کار نمی‌بریم.  
طبق قانون ← هرگاه خبر اسم غیر موصوفه باشد، به شکل معرفه ترجمه می‌شود.

### کام التمارین برگرد

● التمرین الأول: عین الجملة الصحيحة و غیر الصحيحة حسب الحقیقة و الواقع. ✓ x

- ۱- «المهرجان» احتفال مناسبه جميله، كهمرجان الأزهار و مهرجان الأفلام. جشنواره، جشنی به مناسبتی زیباست، مثل جشنواره گلها و جشنواره فیلمها (✓)
- ۲- «التلج» نوع من أنواع نزول الماء من السماء ينزل على الجبال فقط. برف، يك نوع از انواع بارش آب از آسمان است که فقط روی کوهها پایین می آید (می بارد). (x)
- ۳- يحتفل الإيرانيون بالتوروز أول يوم من الأيام السنه الهجرية الشمسية. ایرانیها اولین روز از روزهای سال شمسی را جشن می گیرند. (✓)
- ۴- ۴- تعيش الأسماك في النهر و البحر و لها أنواع مختلفه. ماهیها در رودخانه و دریا زندگی می کنند و انواع مختلفی دارند. (✓)
- ۵- الأعصار ریح شديده لا تنتقل من مكان إلى مكان آخر. (لا تنتقل: جابه جا نمی شود) گردباد، بادشیدی است که از جایی به جایی دیگر منتقل نمی شود. (x)

● التمرین الثاني: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة»

- ۱- مكيّف الهواء ⑥ يدرّس فيه الطلاب.
  - ۲- المشمش ⑤ بحر كبير واسع بين القارات.
  - ۳- المغلق ③ ما ليس مفتوحاً؛ بل مسدوداً.
  - ۴- الخضره ① جهاز للخلاص من حرارة الصيف.
  - ۵- المحيط ② فاكهه يأكلها الناس مجففة و غير مجففة.
  - ۶- الصف
- ۱- مكيّف الهواء: جهاز للخلاص من حرارة الصيف. كولر: دستگاهی برای رهایی از گرمای تابستان است.
  - ۲- المشمش: فاكهه يأكلها الناس مجففة و غير مجففة. زردآلو: میوه ای است که مردم آن را به صورت خشک شده و خشک نشده می خورند.
  - ۳- المغلق: ما ليس مفتوحاً؛ بل مسدوداً. بسته: آنچه که باز نیست بلکه مسدود (بسته) است.
  - ۴- الخضره: كلمه زائدة \* سرسبز: كلمه اضافه است.
  - ۵- المحيط: بحر كبير واسع بين القارات. اقیانوس: دریایی بزرگ و پهناور میان قارهها
  - ۶- الصف: يدرّس فيه الطلاب. کلاس: دانش آموزان در آن درس می خوانند.



● التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَالْمُتَضَادَّةِ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ / عُرْفَةَ

أَصْبَحَ = صَارَ (شد) / حَفَلَةَ = مِهْرَجَانَ (جشن) / حُجْرَةَ = عُرْفَةَ (اتاق)  
 أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ (پایین آورد ≠ بالا برد) / صُعُودَ ≠ نُزُولَ (بالا رفتن ≠ پایین آمدن)

● التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، وَ عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُتَعَدِّي. (إذا كان موجوداً)

۱- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا. ۲ رسول الله ﷺ

ترجمه: مردم در خوابند (خفته‌اند)؛ پس هرگاه بمیرند بیدار شوند. (هرگاه مردند، بیدار شدند)  
 فعل متعدی: ندارد

۲- شَاهِدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ.

ترجمه: مردم افتادن ماهی‌ها را از آسمان دیدند.  
 فعل متعدی: شاهد

۳- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدْوَانَ فَيَحْصُدُ الْخُسْرَانَ.

ترجمه: نادان دشمنی می‌کارد و زیان درو می‌کند.  
 فعل متعدی: يَزْرَعُ ، يَحْصُدُ

۴- ذَهَبَتْ سُمَيَّةٌ إِلَى مَدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ.

ترجمه: سَمِيَّةُ به سوی مدیر مدرسه رفت.  
 فعل متعدی: ندارد

۵- يَرْجِعُ الطُّلَّابُ مِنَ السَّفَرِ الْعِلْمِيَّةِ.

ترجمه: دانش‌آموزان از گردش علمی باز می‌گردند.  
 فعل متعدی: ندارد



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی  
 آراسته به حدیث پیامبر اسلام ﷺ

۱- نیام: خفتگان (مفرد: نائم) ۲- انْتَبَهُوا: بیدار شدند (بیدار شوند)

● التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

- ﴿رَجِعُوا إِلَيْهِمْ﴾ : نزد آنان بازگشتند.  
 ﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾ : آنها را می‌شناسند.  
 ﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ کسانی که ستم کردند، خواهند دانست.  
 ﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ : می‌دانم آنچه را که نمی‌دانید.  
 ﴿وَلَا تَيَاسُوا﴾ : نا امید نشوید.  
 ﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾ : می‌گویند شنیدیم.  
 ﴿أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ : بیشترشان سپاسگزاری نمی‌کنند.  
 ﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾ : آن را بیرون آورد.  
 ﴿ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ﴾ : نزد پروردگارت بازگرد.  
 ﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾ : به خودم ظلم کردم.  
 ﴿نَجْعَلُهُمُ أُمَّةً﴾ : آنها را پیشوا قرار دادیم.  
 ﴿لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ﴾ : قادر بر چیزی نیست.  
 ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾ : وارد بهشت شوید.  
 ﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾ : چهره‌هایتان را بشوید.  
 ﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾ : ما را بیامرز و به ما رحم کن.  
 ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا﴾ : گفت پس از آن خارج شو.  
 ﴿وَإِنَّكَ الْبَاحِرُ﴾ : دریا را رها کن.  
 ﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾ : در زمین می‌گردد.

﴿﴾ **الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ** ﴿﴾ برگرد

إِحْثَ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرْجِمُهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ-فَارِسِيِّ.

